یادداشت

جنگ شناختی

ادامه از صفحه اول

چون کارمند رده‌پایین از خطا هراسان است و نسبت به از دست دادن موقعیت خود، بیمناک. شما اگر در یک شرکت خصوصی باشید و اشتباهی بکنید، حداکثر آن است که از کار برکنار می‌شوید و با توجه به تخصصی که دارید، می‌توانید به شرکت دیگری بروید. اما هرچه کار شما حساس‌تر باشد، کمتر می‌توانید در جای دیگری مشغول به کار شوید. خطر از دست دادن فرصت‌های زندگی‌تان هم بیشتر می‌شود. بنابراین نظر کارشناسی شما بیشتر به مقبولیت گزارش‌هایتان به مقامات بالاتر گره می‌خورد. به این صورت سامانه فکری و دانشی اداره بسته‌تر می‌شود و احتمال خطای سازمانی نیز بیشتر می‌شود. ایدئولوژی سازمان بر دانش تخصصی تفوق می‌یابد. اگر چارچوب تحلیلی و تئوری‌پردازی امنیتی یک کشور را به سلطه خود درآورید، کل سازمان را به سلطه درمی‌آورید. از این‌رو پربیراه نیست که بگوییم برخی از تئوری‌پردازان در دستگاه‌های امنیتی آمریکایی، اسرائیلی یا روسی بر دستگاه فکری رقیب خود متمرکز می‌شوند. این امن‌ترین راه نفوذ است، چون اولویت‌های آنها تغییر یافته و ممکن است کل دستگاه را بدون حضور «نفوذی» در خدمت خود بگیرند. پرسش مقدر این است که از کجا می‌شود پی برد یک سیستم بازی‌خورده یک تئوری‌پرداز امنیتی شده است؟ پرسش سختی است و پاسخ قطعی ندارد، چون اینجا دیگر بازی پنهان را به آشکارا کشانده‌اند و در قالب کتاب‌ها و مقالات و اندیشه‌ها درآورده‌اند. نمی‌توان از میان انبوهی از تولیدات فکری که در جهان پراکنده می‌شود، «سره علمی» را از «ناسره امنیتی» تشخیص داد. پس چه باید کرد؟ اگرچه نمی‌توان توطئه را از تفکر تشخیص داد اما می‌توان از طریق مرحله بعدی تدبیر کرد؛ یعنی باید به «مکانیسم انتشار» تئوری (و نه ضرورتا «مکانیسم رسوخ») توجه کرد. «انتشار» (diffusion) مقوله‌ای است که در ادبیات نوآوری به آن پرداخته شده و ابعاد بسیاری از آن بر پژوهشگران آشکار شده است. در اینجا پرسش این است که تئوری‌های گمراه‌کننده دستگاه‌های امنیتی بیگانه چگونه در بدنه دستگاه امنیتی یا سیاسی یا اجتماعی «منتشر» می‌شود؟ یک پاسخ مربوط به این مقاله این است که تئوری در تصلب دستگاهی، در «آفت اداره» و در سلسله‌مراتب بسته سازمانی منتشر می‌شود و سلطه می‌یابد؛ یعنی هرچه سازمان بسته‌تر باشد، این ویروس در درون آن بیشتر رشد می‌کند. در ادامه، عامل دیگر که به انتشار و سلطه تئوری امنیتی گمراه‌کننده می‌انجامد، سیاست‌زده‌شدن دستگاه مربوطه است. سیاست‌زده‌شدن می‌تواند دیوارهای امنیتی را براساس همان انگاره‌ها و دسیسه‌ها برسازد. بحث تفصیلی در این مقال نمی‌گنجد و صرفا در حد اشاره به خطوط اصلی راه‌حل می‌پردازم.

یک راه مهم «تکثر شناختی» در درون دستگاه امنیتی و آزادی نیروی کارشناسی امنیتی است. هرگونه هراسی را از دل او باید برکَند. این راه‌حل به نظر متناقض‌نماست. تکثر، آزادی بیان، تضارب آرا؟ آن‌هم در درون دستگاه امنیتی؟ آری، راه دیگری وجود ندارد. تضارب آرای درون‌سازمانی است که از «انتشار» و سپس از سلطه تئوری امنیتی گمراه‌کننده جلوگیری می‌کند.

در این فضای باز امنیتی است که «خِرَد میانه» و به دور از افراطی‌گری تحلیلی در سازمان رشد می‌یابد.

راه دیگر، بازاندیشی در استراتژی نیروی انسانی دستگاه امنیتی است. استراتژی نیروی انسانی ناچار از تکثر چندلایه است؛ یعنی باید در درون سازمان و سپس در بیرون سازمان و در میان متفکران و اندیشمندان و پژوهشگران از سویی و مؤسسات پژوهشی مستقل و میانی از سوی دیگر نیز همین تکثر را در نقد و تحلیل سیاست‌های امنیتی ترویج داد. برون‌دادهای فکری دستگاه امنیتی در همه کشورها و ازجمله در ایران، از طریق برخی رسانه‌های عمومی مانند صداوسیما قابل پایش و شناسایی است. از این‌رو می‌توان نشانه‌هایی از برخی «چارچوب‌های تحلیلی» را در آنها تشخیص داد. براساس این باید اصلاحات لازم پیشنهاد شود تا راه‌های پیموده‌شده نقد و ارزیابی شود. سالم‌سازی دستگاه‌های عمومی کشور وظیفه‌ای همگانی است... . بیش از این نشاید گفت.

«مناره»؛ از دیپلماسی اتمی تا هاب فناوری و بازرگانی خاورمیانه

ادامه از صفحه اول

همچنین، همکاری در مدیریت پسماند هسته‌ای، صنعتی نوظهور با ارزش‌افزوده بالا، فرصت‌هایی برای شرکت‌های خصوصی و دولتی ایجاد خواهد کرد.

تأثیر بر تجارت منطقه‌ای و اعتمادسازی اقتصادی

نقدهایی مانند بی‌اعتمادی مزمن میان کشورهای منطقه، گرچه چالش‌برانگیزند، اما از منظر اقتصادی می‌توانند از طریق منافع مشترک تعدیل شوند. «مناره» با ایجاد سرمایه‌گذاری‌های مشترک، به کشورهای عضو انگیزه‌ای برای همکاری اقتصادی می‌دهد. به عنوان مثال، تأسیسات غنی‌سازی مشترک، علاوه بر کاهش هزینه‌های تولید، به کشورهای کوچک‌تر امکان دسترسی به فناوری‌های پیشرفته را می‌دهد، در حالی که کشورهای پیشرفته‌تر از بازارهای جدید بهره‌مند می‌شوند. این همکاری‌ها، مشابه مدل‌های موفق مانند اتحادیه اروپا در حوزه انرژی، می‌تواند به کاهش تنش‌های سیاسی و تقویت تجارت منطقه‌ای منجر شود. اخیرا، بهبود روابط ایران با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، به‌ویژه عربستان، زمینه‌ای برای چنین همکاری‌هایی فراهم کرده است. بازتاب‌های شبکه‌های اجتماعی، ازجمله توییت‌های منتشرشده، نشان‌دهنده استقبال برخی تحلیلگران منطقه‌ای از این طرح به‌عنوان فرصتی برای تنش‌زدایی اقتصادی است. این گفتمان مثبت می‌تواند سرمایه‌گذاران خارجی را به مشارکت در پروژه‌های «مناره» ترغیب کند.

پاسخ به چالش‌های ژئوپلیتیکی با رویکرد اقتصادی

نقد عدم تقارن هسته‌ای به دلیل برنامه تسلیحاتی اسرائیل، گرچه مانعی جدی است، اما «مناره» با تمرکز بر کاربردهای غیرنظامی، می‌تواند به تدریج فشار دیپلماتیک بر اسرائیل را افزایش دهد. «مناره» حتی می‌تواند با ایجاد یک بلوک اقتصادی قدرتمند، نابرابری راهبردی حاصل از این مسئله را کاهش دهد. نقد وابستگی به قدرت‌های جهانی نیز با جذب سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی قابل مدیریت است. حضور ناظران بین‌المللی از آژانس انرژی اتمی و سازمان ملل، اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب خواهد کرد. کشورهایی مانند چین و روسیه که روابط اقتصادی نزدیکی با ایران دارند، می‌توانند شرکای کلیدی در تأمین مالی و فناوری باشند، در حالی که اتحادیه اروپا از منظر زیست‌محیطی به انرژی هسته‌ای به‌عنوان جایگزینی پایدار برای سوخت‌های فسیلی علاقه‌مند است.

تأثیر بر صنایع غیرهسته‌ای

«مناره» فراتر از صنعت هسته‌ای، بر سایر بخش‌ها مانند کشاورزی، مدیریت آب و انرژی‌های تجدیدپذیر تأثیر مثبت خواهد گذاشت. فناوری‌های هسته‌ای در کشاورزی، مانند پرتودهی برای افزایش ماندگاری محصولات، می‌توانند امنیت غذایی منطقه را تقویت کرده و به صادرات کشاورزی کمک کنند. همچنین، تولید انرژی هسته‌ای، با کاهش وابستگی به نفت و گاز، منابع فسیلی را برای صادرات آزاد می‌کند و درآمدهای ارزی را افزایش می‌دهد.

جمع‌بندی: فرصتی برای شکوفایی اقتصادی منطقه

طرح «مناره» نه‌تنها گامی برای صلح هسته‌ای، بلکه کاتالیزوری برای رونق اقتصادی در خاورمیانه است. با ایجاد بازارهای جدید، جذب سرمایه‌گذاری و تقویت تجارت منطقه‌ای، این طرح می‌تواند خاورمیانه را به هابی برای فناوری‌های پیشرفته تبدیل کند. ایران با سابقه علمی و دیپلماتیک خود، در جایگاه رهبری این ابتکار قرار دارد. حمایت از «مناره» نه‌تنها به نفع اقتصاد ملی است، بلکه آینده‌ای پایدار و شکوفا برای کل منطقه رقم خواهد زد.

وقتی تهدیدهای مجازی ترامپ و مدودف به بازی خطرناک میان آمریکا و روسیه تبدیل می‌شود

دوئل هسته‌ای در سایه «دست مرده»

شرق: در شرایط عادی، آنچه امروز میان آمریکا و روسیه رخ داده، لحظه‌ای سرنوشت‌ساز و دلهره‌آور در تاریخ معاصر به‌شمار می‌آید. هیچ رئیس‌جمهور آمریکا، حتی در دوران جنگ سرد، هرگز به صورت علنی فرمان حرکت زیردریایی‌های هسته‌ای به سوی آب‌های روسیه را صادر نکرده بود. اقدام ترامپ، ورود به مرحله‌ای تازه از تهدید هسته‌ای بود که حتی رهبران پیشین آمریکا جرئت نزدیک‌شدن به آن را نداشتند.

درست است که شوروی در بحران موشکی کوبا در سال ۱۹۶۲ با استقرار موشک‌های هسته‌ای تا فاصله حدود ۱۴۵کیلومتری سواحل آمریکا، جهان را برای ۱۳ روز تا مرز فاجعه هسته‌ای پیش برد، اما اکنون با توجه به سبک حکمرانی غیرمتعارف و غیرقابل پیش‌بینی ترامپ، نگرانی قابل توجهی ایجاد نشده و بسیاری این بحران را تکرار کامل آن حادثه تاریخی نمی‌دانند. بااین‌حال، این به معنای بی‌خطربودن اقدام اخیر نیست. ترامپ عملا سیاست هسته‌ای واشنگتن در قبال روسیه را تغییر داده و اولین پله نردبان تشدید تنش را با حالتی بی‌اعتنا پیموده است؛ اقدامی که اگر پوتین پاسخی هم‌تراز بدهد، می‌تواند به بحرانی بزرگ منتهی شود. با وجود این، به نظر می‌رسد ترامپ حساب همه چیز را کرده است و در واقع از همان دفترچه راهنمای روسیه در عرصه نمایش قدرت استفاده می‌کند. پوتین سال‌هاست که نمایش قدرت هسته‌ای را به ابزاری برای فشار تبدیل کرده؛ چه با استقرار موشک‌های اسکندر در کالینینگراد، چه با انتقال تسلیحات هسته‌ای به بلاروس و چه با تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای تاکتیکی در اوکراین. حالا هم با تولید موشک‌های مافوق صوت اورشنیک و استقرار قریب‌الوقوع آنها در بلاروس، بار دیگر جهان را به تماشای قدرت‌نمایی هسته‌ای روسیه نشانده است.

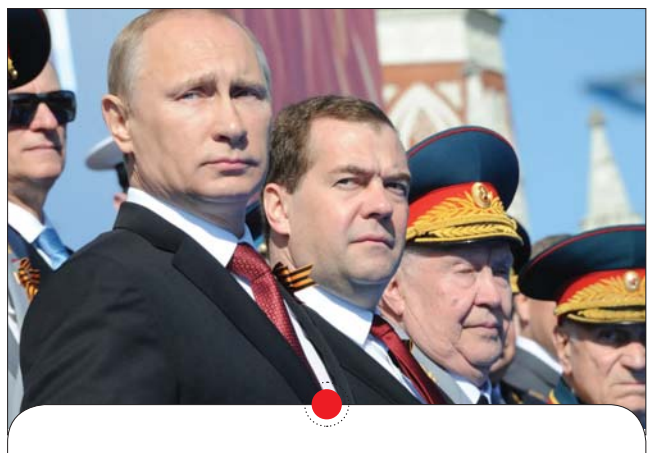

بن‌بست در مذاکرات صلح

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، توقف روند مذاکرات صلح با اوکراین را ناشی از «انتظارات بیش از حد و غیرواقع‌بینانه» طرف مقابل می‌داند. او در جمع خبرنگاران با تأکید بر اینکه «تمامی ناامیدی‌ها از انتظارات بالا ناشی می‌شود»، گفت برای حل‌وفصل مسالمت‌آمیز بحران، باید گفت‌وگوهایی عمیق، دور از هیاهوی رسانه‌ای و در فضای آرام مذاکرات واقعی انجام شود. در همین حال، جان کلی، دیپلمات ارشد آمریکا، در نشست شورای امنیت سازمان ملل تصریح کرد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، خواستار دستیابی به توافقی برای پایان‌دادن به جنگ روسیه و اوکراین تا هشتم آگوست شده است. به گفته کلی، آمریکا آماده است برای تحقق صلح، اقدامات بیشتری را در دستور کار قرار دهد. او تأکید کرد: «وقت آن است که به توافق برسیم؛ روسیه و اوکراین باید برای آتش‌بس و برقراری صلح پایدار مذاکره کنند». در سال جاری، کی‌یف و مسکو سه دور مذاکرات در استانبول برگزار کردند؛ گفت‌وگوهایی که به تبادل اسرا و اجساد انجامید، اما هیچ دستاورد درخور توجهی برای پایان‌دادن به بیش از سه سال درگیری به همراه نداشت. پوتین همچنین یادآور شد که شرایط برای پایان جنگ همچنان همان موارد قبلی است و تغییری نکرده است. این سخنان نشان می‌دهد علی‌رغم فشارهای بین‌المللی و تلاش‌های دیپلماتیک، چشم‌انداز دستیابی به صلح واقعی میان روسیه و اوکراین همچنان مبهم و پرچالش باقی مانده است.

پیام به پوتین

در روزهای اخیر، دیمیتری مدودف، رئیس‌جمهور پیشین روسیه و حالا به‌عنوان صدای رسانه‌ای تهاجمی پوتین در فضای مجازی، هشدار داده تهدیدات ترامپ می‌تواند جرقه جنگی تمام‌عیار میان آمریکا و روسیه باشد. ترامپ هم با کم‌رنگ‌ترکردن تمجیدهای سابقش از پوتین، به‌وضوح اعلام کرده تهدیدهای مسکو را به معنای واقعی جدی می‌گیرد، نه صرفا به صورت لفاظی؛ رویکردی که برعکس توصیه‌هایی است که معمولا درباره خودش مطرح می‌شود.

ترامپ در پستی خطاب به مدودف نوشت: «کلمات اهمیت زیادی دارند و می‌توانند اغلب پیامدهای ناخواسته‌ای داشته باشند». تهدید اخیر ترامپ را می‌توان نوعی نمایش دانست؛ نمایشی پرریسک، اما همچنان یک شو. او به‌خوبی می‌داند که باید پیام قدرت خود را هم به مخاطب داخلی و هم به مخاطب خارجی مخابره کند.

البته انگیزه‌های دیگری هم مطرح است. در روزهای آینده، ترامپ باید راهبرد خود برای مقابله با تهاجم روسیه به اوکراین را آشکار کند؛ به‌ویژه پس از حمله مرگبار اخیر به کی‌یف که ۳۱ کشته برجای گذاشت. تهدید به اعمال تحریم‌های ثانویه علیه کشورهایی که از روسیه انرژی خریداری می‌کنند -ازجمله چین، هند، ترکیه و امارات- چالشی بزرگ برای دیپلماسی آمریکا خواهد بود. ترامپ اگر عقب‌نشینی کند، می‌تواند همین استقرار زیردریایی‌ها را نشانه جدیت خود در قبال روسیه معرفی کند؛ راهبردی که هزینه سیاسی کمتری نسبت به افزایش تعرفه بر متحدان اروپایی دارد.

دگردیسی مدودف

مشاجره‌های آنلاین مدودف با ترامپ به اوج رسیده است؛ جایی که ترامپ اعلام کرد دو زیردریایی هسته‌ای را در «موقعیت‌های مناسب» قرار می‌دهد و مدودف نیز در پاسخ، با یادآوری سیستم مخوف «دست مرده» شوروی سابق -سازوکاری برای شلیک خودکار موشک‌های هسته‌ای در صورت حمله آمریکا- تهدید به انتقامی ویرانگر کرد. این هشدار در واکنش به توهین ترامپ بود؛ جایی که مدودف ۵۹ساله را «رهبر شکست‌خورده» خوانده بود. «دست مرده» به یک سامانه مخوف و خودکار کنترل پرتاب موشک‌های هسته‌ای در اتحاد جماهیر شوروی اشاره دارد که در سال‌های پایانی جنگ سرد طراحی و عملیاتی شد. نام روسی این سیستم «پریمیت» (Perimeter) است، اما در رسانه‌ها و متون غربی به «Dead Hand» یا همان «دست مرده» مشهور شده است. این سامانه به‌گونه‌ای طراحی شده بود که حتی اگر فرماندهی عالی شوروی (یعنی رهبران سیاسی و نظامی اصلی کشور) در اثر یک حمله هسته‌ای نابود شوند و کسی برای صدور فرمان مقابله نباشد، سامانه به‌طور خودکار فعال شود و موشک‌های هسته‌ای را به سوی اهداف از پیش تعیین‌شده در کشورهای دشمن -به‌ویژه آمریکا و متحدانش- شلیک کند.

پس از اعلام حمله روسیه به اوکراین توسط پوتین، لحن مدودف بیش از پیش تهاجمی و افراطی شده است. او که حالا معاون شورای امنیت روسیه است، با الفاظی چون «ابلهان خودبزرگ‌بین آنگلوساکسون»، خطاب به سیاست‌مداران غربی، آنها را «گله‌ای از خوک‌های خرناس‌کش» خطاب قرار می‌دهد و وعده «نابودی کامل رهبری اوکراین» را تکرار می‌کند؛ لحن و ادبیاتی که سال‌ها قبل، از او بعید بود.

این تغییر رویه، تفاوتی آشکار با دهه ۲۰۰۰ و اوایل ۲۰۱۰ دارد؛ زمانی که مدودف را یکی از نمادهای نوسازی روسیه و عضوی نسبتا دموکرات از حلقه نزدیکان پوتین می‌دانستند. در حالی که پوتین اهل جودو و شکار در جنگل‌های سیبری بود، مدودف به یوگا علاقه داشت و عاشق تکنولوژی روز و موسیقی راک بود. در دوره ریاست‌جمهوری‌اش، تنش‌ها با غرب را کاهش داد، با اوباما دیداری دوستانه داشت و توافقی برای کاهش حجم زرادخانه هسته‌ای امضا کرد.

بن نوبل، استاد دانشگاه کالج لندن، در گفت‌وگو با تلگراف معتقد است این تغییر لحن مدودف بیشتر از سر نیاز به بقا و جبران گذشته است: «مدودف از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ نزدیک‌ترین رئیس‌جمهور به غرب و از نظر بین‌المللی، لیبرالی‌ترین چهره در مقایسه با پوتین بود. اما حالا کرملین، لیبرالیسم را خطایی تاریخی و انحراف از مسیر صحیح می‌داند».

به باور نوبل، دیگر لیبرال‌های حاضر در حکومت به دلیل مهارت فنی خود جای خود را حفظ کرده‌اند و می‌توانند بی‌سروصدا بمانند، اما مدودف بدون چنین پشتوانه‌ای، مجبور است برای اثبات وفاداری و حفظ جایگاهش، صدای خود را بلندتر کند و مواضع تندتری بگیرد.

زندگی سیاسی مدودف؛ از امید تا تمسخر

مدودف، وکیل و اهل سن‌پترزبورگ، از اولین لیبرال‌هایی بود که به پوتین پیوست و تعادلی در مقابل نیروهای امنیتی موسوم به سیلوویکی در کرملین ایجاد کرد. او در سال ۲۰۰۵ معاون نخست‌وزیر شد و سه سال در این سمت ماند و از ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۰ هم‌پای پوتین و به‌عنوان نخست‌وزیر فعالیت کرد.

وقتی مدودف در ۲۰۰۸ رئیس‌جمهور شد، همگان می‌دانستند که او فقط جایگزینی موقت برای پوتین است تا دوره چهارساله محدودیت ریاست‌جمهوری تمام شود. بااین‌حال، حضور او انرژی تازه‌ای به کرملین بخشید و امیدی هرچند گذرا به آینده‌ای متفاوت و غرب‌گرا ایجاد کرد. او تکنولوژی‌محور بود، ساعت اپل می‌بست، با استیو جابز دیدار کرد و حتی به تلویزیون مستقل «دوزد» رفت؛ رسانه‌ای که بعدها توسط پوتین ممنوع اعلام شد.

در سال ۲۰۰۹، نشانه‌هایی از رشد اعتمادبه‌نفس مدودف به چشم می‌خورد، اما این فضا طولی نکشید. در سال ۲۰۱۲ کرملین دوباره به پوتین بازگشت و مدودف فقط با تصمیم نامحبوب تغییر ساعت رسمی کشور که موجب نارضایتی عمومی شد، در ذهن‌ها باقی ماند؛ تصمیمی که پوتین بلافاصله لغو کرد. مدودف به‌تدریج به سوژه تمسخر تبدیل شد؛ از خوابیدن در سخنرانی‌های پوتین گرفته تا رقص طنزآمیزش با آهنگ «آمریکن‌بوی». حتی متحدانش او را بیش از حد نرم‌خو و غرب‌گرا می‌دانستند و مخالفانش او را «بله‌قربان‌گو» کم‌رنگ خطاب می‌کردند.

افشاگری‌های الکسی ناوالنی درباره فساد مالی و داشتن املاک در توسکانی و قلعه‌ای در حوالی مسکو هم ضربه‌ای دیگر به جایگاه مدودف وارد کرد. با وجود این، او همچنان تلاش می‌کند تصویری قوی‌تر و پررنگ‌تر از خود به نمایش بگذارد. بن نوبل معتقد است شاید این لحن تند و پست‌های جنجالی تلاشی برای رهایی از تصویر یک شخصیت کم‌رنگ و مضحک باشد؛ تلاشی برای نشان‌دادن اینکه او دیگر همان سیاست‌مدار منفعل گذشته نیست.

گزارش

آغاز صادرات گاز جمهوری آذربایجان به سوریه

شرق: جمهوری آذربایجان صادرات سالانه ۱.۲ میلیارد مترمکعب گاز به سوریه را از طریق خاک ترکیه آغاز کرد؛ گازی که از میدان شاه‌دنیز در دریای خزر و با مدیریت شرکت بریتانیایی بی‌پی تأمین می‌شود. این خبر را یکی از مقامات ارشد شرکت انرژی دولتی سوکار در مراسمی رسمی در شهر کیلیس ترکیه، در نزدیکی مرز سوریه، اعلام کرد؛ جایی که این پروژه مشترک میان ترکیه و آذربایجان به‌طور رسمی آغاز شد. ترکیه طی ۱۳ سال جنگ داخلی سوریه همواره از نیروهای مخالف دولت بشار اسد حمایت کرده بود. با سقوط اسد در دسامبر سال گذشته و روی کار آمدن دولت جدید سوریه، آنکارا جایگاه خود را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متحدان خارجی دولت تازه‌تأسیس سوریه تثبیت کرده است. اکنون ترکیه با مشارکت فعال در پروژه‌های زیربنایی، نقش محوری در بازسازی سوریه را دنبال می‌کند. انتقال گاز از مسیر خاک ترکیه انجام می‌شود و برنامه‌ریزی‌ها به‌گونه‌ای است که همکاری سه‌جانبه و هماهنگی کامل میان باکو، آنکارا و دمشق برقرار باشد. آلپ‌ارسلان بایراکتار، وزیر انرژی ترکیه نیز اعلام کرد حجم فعلی صادرات روزانه حدود شش میلیون مترمکعب است، اما ظرفیت افزایش آن تا دو میلیارد مترمکعب در سال وجود دارد. بایراکتار همچنین افزود این گاز صرف راه‌اندازی نیروگاه‌هایی با ظرفیت هزارو ۲۰۰ مگاوات در سوریه می‌شود؛ اقدامی که بازگشت تدریجی ثبات به زیرساخت‌های انرژی این کشور را ممکن می‌کند. محمد البشیر، وزیر انرژی سوریه، با اشاره به اهمیت این همکاری گفت: «ورود گاز آذربایجان به مناطق جنگ‌زده، امکان افزایش تولید برق به میزان ۷۵۰ مگاوات را فراهم می‌کند و می‌تواند تا چهار ساعت برق بیشتر در روز برای مردم این مناطق به همراه داشته باشد». او همچنین یادآور شد هرچند برنامه اولیه بر تحویل شش میلیون مترمکعب در روز است، اما در آغاز کار این رقم حدود ۳.۴ میلیون مترمکعب خواهد بود.

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
اداره ثبت اسناد و املاک اداره ثبت اسناد و املاک مرکزی اصفهان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
شماره : ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۳۰۰۱۰۲۲
تاریخ : ۱۴۰۴/۰۵/۰۷

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر اراء شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۳۰۰۰۹۹۱ - ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۳۰۰۰۹۸۲ - ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۳۰۰۰۹۸۴ - ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۳۰۰۰۹۸۷ - ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۳۰۰۰۹۸۸ - ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۳۰۰۰۹۸۰ - ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۳۰۰۰۹۷۷ - ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۳۰۰۰۹۷۹ - ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۳۰۰۰۹۹۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی اداره ثبت اسناد و املاک مرکزی اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضیان بحکایت دفتر املاک بموجب سند رسمی شماره ۱۵۲۸۱ مورخ ۳۳/۱۰/۰۵ دفترخانه ۲۵ اصفهان ششدانگ پلاک ثبتی ۶۳۲۵ اصلی واقع در بخش ۳ اصفهان به آقای حاج اسداله شهید اول فرزند مرحوم حسن انتقال گردیده که ذیل دفتر ۱ صفحه ۳۴۳ دارای سابقه ثبت و سند مالکیت بوده که بموجب صورتمجلس شماره ۱۳۸۶۹ مورخ ۳۴/۰۸/۱۴ به ۳ قطعه تفکیک گردیده و جهت خلوت شماره ۱ فرعی و جهت یکباب اطاق شماره ۲ فرعی و جهت اندرونی شماره ۶۳۲۵ اصلی منظور گردیده است. بموجب یکفقره قولنامه عادی مورخ ششم تیرماه ۱۳۴۴ یکباب اتاق پلاک ثبتی ۶۳۵۲/۲ بمساحت ۲۰۶۰ متر مربع واقع در کوچه نمکی از طرف آقای حاج اسداله شهید اول به آقای حاج نصراله شعرباف دروازه نویی فرزند علی اکبر واگذار و بموجب قولنامه عادی مورخ هفدهم خرداد ماه ۱۳۴۶ از طرف آقای حاج نصراله شعرباف به آقای مرتضی حیدری جونی واگذار گردیده است. بموجب گواهی انحصار وراثت شماره ۵۵۵۴ مورخ ۹۰/۱۱/۲۹ شعبه دهم حصر وراثت اصفهان شادروان مرتضی حیدری جونی فوت نموده و وراث حین الفوت وی عبارتند از ۳ دختر و ۴ پسر و ۱ همسر بنامهای فخری، بدری، زهرا، کمال، محمدرضا، جمال، منصور شهرت همگی حیدری(فرزندان) و خانم فاطمه شفیعی زادگان فرزند عباسعلی عیال متوفی و لاغیر و بموجب گواهی انحصار وراثت شماره ۱۲۵۲ مورخ ۹۷/۰۵/۰۶ شعبه دهم حصر وراثت اصفهان شادروان فاطمه شفیعی زادگان فوت نموده و وراث وی نامبردگان فوق می باشند بموجب گواهی انحصار وراثت شماره ۱۴۰۱۰۹۳۹۰۰۱۵۸۱۰۲۶۰ مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۲۲ شعبه ۵۷ حقوقی شورای حل اختلاف اصفهان شادروان محمدرضا حیدری فرزند مرتضی فوت نموده و وراث حین الفوت وی عبارتند از ۳ دختر و ۱ همسر بنامهای سمیه، صالحه، صدف شهرت همگی حیدری فرزندان و خانم صفورا لیث صفار فرزند غلامحسین عیال متوفی و لاغیر لذا مالکیت های خانم سمیه حیدری به شناسنامه شماره ۹۷۳ کدملی ۱۲۸۶۰۷۶۲۲۶ صادره اصفهان فرزند محمد رضا نسبت به چهار حبه و چهار - یازدهم حبه مشاع از ۷۲ حبه ششدانگ و خانم بدری حیدری جونی به شناسنامه شماره ۶۰۰۶۷ کد ملی ۱۲۸۱۶۹۸۸۵۷ صادره اصفهان فرزند مرتضی نسبت به شش حبه و شش یازدهم حبه مشاع از ۷۲ حبه ششدانگ و آقای منصور حیدری جونی به شناسنامه شماره ۱۶۹۱ کد ملی ۱۲۸۶۵۴۵۳۹۰ صادره اصفهان فرزند مرتضی نسبت به سیزده حبه و یک یازدهم حبه مشاع از ۷۲ حبه ششدانگ و آقای جمال حیدری به شناسنامه شماره ۱۴۱۰ کد ملی ۱۲۸۶۹۰۰۸۷۵ صادره اصفهان فرزند مرتضی نسبت به سیزده حبه و یک یازدهم حبه مشاع از ۷۲ حبه ششدانگ و خانم فخری حیدری جاوانی به شناسنامه شماره ۷۸ کد ملی ۱۲۸۶۵۹۵۰۸۸ صادره اصفهان فرزند مرتضی نسبت به شش حبه و شش یازدهم حبه مشاع از ۷۲ حبه ششدانگ و خانم زهرا حیدری جونی به شناسنامه شماره ۱۷۶۸۹ کد ملی ۱۲۸۲۶۴۶۲۰۶ صادره اصفهان فرزند مرتضی نسبت به شش حبه و شش یازدهم حبه مشاع از ۷۲ حبه ششدانگ واقای کمال حیدری به شناسنامه شماره ۲۵۵۵ کد ملی ۱۲۸۶۷۳۵۱۱۴ صادره اصفهان فرزند مرتضی نسبت به سیزده حبه و یک - یازدهم حبه مشاع از ۷۲ حبه ششدانگ و خانم صالحه حیدری به شناسنامه شماره ۷۱۹۶ کد ملی ۱۲۹۳۴۳۷۰۰۱ صادره اصفهان فرزند محمد رضا نسبت به چهار حبه و چهار - یازدهم حبه مشاع از ۷۲ حبه ششدانگ و خانم صدف حیدری به شناسنامه شماره ۱۲۷۲۷۱۲۳۴۶ کدملی ۱۲۷۲۷۱۲۳۴۶ صادره اصفهان فرزند محمد رضا نسبت به چهار حبه و چهار یازدهم حبه مشاع از ۷۲ حبه ششدانگ یکباب مغازه به مساحت ۲۴/۸۰ متر مربع مفروزی از پلاک شماره ۲ فرعی از باقیمانده ۶۳۲۵ اصلی جهت الحاق به پلاک ۶۳۲۵/۱واقع در اصفهان بخش ۳ اداره ثبت اسناد و املاک مرکزی اصفهان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۵/۱۲ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۵/۲۷
شناسه آگهی: ۱۹۷۵۴۶۵
سید اسداله موسوی
رئیس ثبت اسناد و املاک ۲۸۵۹

برگ سبز و کارت **خودرو وانت نیسان** به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۷ و شماره پلاک ایران ۹۱۹۲۱ ق ۶۹ و شماره موتور ۴۴۹۹۵۷ و شماره شاسی ۱۶۰۶۲۸ به نام **حسن مطیع نورانی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

دانشنامه فارغ التحصیلی **اینجانب حورا سید طباطبایی** فرزند میرجعفر به شماره شناسنامه ۰۰۱۶۰۷۰۶۵۸ و شماره ملی ۰۰۱۶۰۷۰۶۵۸ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته حقوق صادره از واحد دانشگاهی تهران شمال به شماره ۱۴۹۵۱۵۷۰۳۱۲۹ مورخ ۹۵/۱۱/۱۲ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود دانشنامه را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال به نشانی تهران_بزرگراه شهید بابایی (غرب به شرق.خروجی حکیمیه-خیابان شهید صدوقی-بلوار وفادار-دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ارسال نماید.

برگ سبز **خودرو پراید ۱۱۱** رنگ آبی سیر مدل ۹۱ به شماره پلاک ایران ۵۰-۷۲۹د۲۶ و شماره موتور ۴۷۴۴۱۴۹ و شماره شاسی S5430091723698 به نام **زهرا سردار لنجوان** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

وکالت نامه های ذیل به شماره های ۸۵۳۷۱ و ۴۳۷۶۲ مربوط به **پروژه چیتگر** مفقود گردیده و آن یک نسخه از درجه اعتبار ساقط می باشد.

ارتباط با روزنامه شرق
T.ME/ALOSHARGH
WWW.SHARGHDAILY.IR

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR